

نقد و تحلیل محتوا در تراز کتاب‌های درسی دانشگاهی مطالعه موردی: کتاب قواعد و متون عربی

عیسی متقی‌زاده*

چکیده

کتاب درسی دانشگاهی در فرایند یاددهی و یادگیری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. کتاب درسی مناسب، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد که آن را از کتاب‌های غیر درسی متمایز می‌کند.

نقد و تحلیل محتوای کتاب‌های دانشگاهی سبب می‌شود در طراحی و سازماندهی مناسب آن، دقت کافی به عمل آید. این پژوهش با هدف دست یافتن به شاخص‌های کتاب‌های درسی دانشگاهی، از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده کرده است. در این مقاله، با تحلیل محتوای کتاب، تعریف و مفاهیم آن، کاربرد و ابعاد آن، و نظراتی که در زمینه طراحی کتاب‌های درسی ارائه شده است را مورد ارزیابی و نقد قرار داده‌ایم. در این مقاله به طور موردی، میزان برخورداری کتاب قواعد و متون عربی، - کتابی که برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی فراهم آمده است - از شاخص‌های کتاب دانشگاهی بررسی شده است. کتاب درسی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین رسانه‌های آموزشی است که نقش ارزشمندی در نظام تعلیم و تربیت ایفا می‌کند. طراحی کتاب‌ها باید با توجه به معیارها و ضوابط خاصی در همه ابعاد متن باشد. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی می‌تواند نقاط قوت و ضعف احتمالی کتاب‌های درسی را برای اصلاح و تغییر احتمالی محتوا، متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی در اختیار مدیران و برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی درسی، کتاب دانشگاهی، کتاب درسی، نقد، آموزش عالی.

*دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس. motaghizadeh@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۴

۱. مقدمه

کتاب درسی دانشگاهی به عنوان یکی از رسانه های کارآمد و اثربخش آموزشی به حساب می آید که می تواند امر یادگیری مؤثر را برای دانشجویان فراهم نماید. نقد و تحلیل کتابهای درسی فرصتی است برای بررسی محتوا و چگونگی سازماندهی این رسانه آموزشی است. این امر می تواند به نقاط قوت و ضعف احتمالی کتاب های درسی را برای اصلاح و تغییر احتمالی محتوا، متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی کمک کند و همچنین شیوه درست طراحی را در اختیار برنامه ریزان و مؤلفان کتاب های درسی و علاقه مندان این حوزه قرار دهد. این مقاله در صدد آن است به سوال های زیر پاسخ دهد:

۱. ویژگی ها و شاخص های کتاب درسی دانشگاهی کدام است؟

۲. چگونه تحلیل محتوا می تواند در طراحی هر چه بهتر و مؤثرتر کتاب های درسی نقش ایفا کند؟

۳. کتاب "قواعد و متون عربی" چه شاخص های برای آموزش متون و قواعد عربی برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی را داراست؟

پیشینه تحقیق: در دو سه دهه اخیر در حوزه متون آموزشی مقالات خوبی در تحلیل محتوا تهیه شده که مهمترین آنها عبارتند از:

منادی (۱۳۸۵) روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری.

جعفری هرندی (۱۳۸۷) تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تاکید بر تحلیل محتوای کتابهای درسی.

لاریجانی (۱۳۸۷) تجزیه و تحلیل محتوای گسترش روش های تحقیق در علوم کتابداری و اطلاع رسانی یا روش تجزیه و تحلیل محتوی.

ایمان، م.ت (۱۳۹۰) تحلیل محتوای کیفی.

در حوزه زبان و ادبیات عربی در داخل کشور تاکنون تنها یک مقاله با عنوان تحلیل محتوی کتب اللغة العربية فی مرحلة البكالوريوس لفرع اللغة العربية و آدابها فی ضوء معايير الجودة در تحلیل محتوی نگاشته شده است (متقی زاده و دیگران، ۱۳۹۲).

۲. ادبیات نظری

نظام آموزشی فعلی کشور، یک نظام متمرکز و برنامه درسی آن منحصر به کتاب درسی است که در کل کشور استفاده می‌شود (مشایخ، ۱۳۷۵). با توجه به رشد سریع علوم و فناوری، تغییر سریع در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، ضرورت دارد که کتاب‌های درسی با دقت کافی و در حد امکان، عاری از هر عیب و نقص و مطابق با اهداف تعیین شده و اصول علمی تألیف شوند (یار محمدیان، ۱۳۸۶).

برنامه درسی، معادل فارسی واژه Curriculum یکی از رشته‌های تخصصی حوزه تعلیم و تربیت است. بر اساس شواهد موجود، رشته برنامه ریزی درسی مولود قرن بیستم است و بسیاری زمان آغاز آن را سال ۱۹۱۸، یعنی زمان انتشار کتاب فرانکلین بوییت با عنوان برنامه درسی می‌دانند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۷). برنامه درسی، به محتوای رسمی و غیررسمی، روش و آموزش‌های آشکار و پنهانی اطلاق می‌گردد که به وسیله آنها، فراگیران، دانش لازم را به دست آورند، مهارت کسب کنند و گرایش و ارزش‌ها را در خود تغییر دهند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

در سازمان دهی برنامه درسی، عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی در یک نظام آموزشی با یکدیگر ارتباط و توالی می‌یابند. سازمان دهی محتوای درسی به طور کلی به دو صورت افقی و عمودی است (ملکی، ۱۳۸۶، ص ۲۳). مایرز و مایرز درخصوص الگوهای سازمان دهی محتوا از یک پیوستار استفاده کرده اند که در یک طرف آن رویکرد موضوع محور، و در سوی دیگر آن رویکرد دانش آموز محور قرار دارد (مایرز و مایرز، ۱۹۹۰، ص ۶۸). در بحث سازمان دهی محتوای برنامه درسی، شیوه سازمان دهی موضوع مدار، موازی سازی رشته های علمی، چندرشته ای، میان رشته ای و فرارشته ای در ارتباط افقی و شیوه های سازمان دهی از ساده به مشکل، از کل به جزء، از عینی به ذهنی، از جزء به کل، ماریچی، ساختار دانش، علائق به رشته های علمی، توسعه تدریجی مفاهیم، توالی زمانی و از مسئله تا کشف در ارتباط عمودی بررسی می‌شوند.

محتوا عبارت است از مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه ریزان و به قصد تحقق اهداف، انتخاب و سازماندهی می‌شود. محتوا وسیله ای برای تحقق اهداف به شمار می‌آید و بدین سبب ضروری است با اهداف مورد انتظار تناسب داشته باشد (Maleki, H. & habibipour, M2007, pp. 93-108). بر اساس آرای کانلی (۱۹۹۱) منظور از محتوای برنامه درسی، حقایق خاص، عقاید، اصول و مسائلی است که در یک درس خاص گنجانده می‌شود. فتحی و اجارگاه (۱۳۸۴) نیز تعریف دیگری دارد

و به شکل عملی در خصوص برنامه درسی دو نوع محتوا را مورد توجه قرار می‌دهد که با پژوهش ما سنخیت بیشتری دارد ۱_ محتوای مکتوب که همان کتاب‌های درسی است ۲- محتوای شفاهی که توضیحات معام و تدریس وی در کلاس را پوشش می‌دهد. تحلیل محتوای کتاب درسی کاربردهای متنوعی دارد که شاید مهمترین کارکرد آن تعیین میزان تناسب محتوا با هدف‌های برنامه درسی است. تحلیل محتوا، روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست (راجردی، ۱۳۸۴، ۲۱۷) اما برنارد برلسون تحلیل محتوا را «روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر تعریف کرده است» (کرپیندورف، ۱۳۹۰، ۹). در این تعریف بر سه واژه «عینیت»، «کمیت»، و «سیستماتیک بودن» تاکید شده است (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۸۸). در تعریف فوق، مفاهیم «کمی و کیفی»، «عینی و ذهنی» و «آشکار و نهان» جای بحث بسیار دارد. گرچه تحلیل محتوا اصولاً بر مبنای داده‌های کمی است، ولی می‌توان متغیرهای کیفی را به متغیرهای کمی تبدیل کرد. تحلیل محتوا کاربردهای متعددی پیدا کرد؛ از جمله: در پژوهش‌های علوم تربیتی برای بررسی‌های مربوط به محتوای کتاب‌های درسی از این روش استفاده می‌شود. امروزه تحلیل محتوا به روشی علمی تبدیل گردیده و نوبد بخش به ثمر نشستن استنباط‌هایی شده است که اساساً از داده‌های کلامی نمادین و ارتباطاتی به عمل می‌آیند و در موضوعات اساسی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، ارتباطات، سیاست و ... شمول یافته‌اند.

در تحلیل محتوا از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در یک دسته بندی می‌توان روش‌های تحلیل محتوا را به دو گروه ۱- روش‌های کمی ۲- روش‌های کیفی تقسیم کرد. در روش‌های کمی، معمولاً مقدار زیادی داده‌ها به گونه مختصر تحلیل می‌شوند. در این روش می‌توان مجموعه‌ای از اسناد و یا متون را استخراج، شمارش و طبقه بندی کرد. در روش‌های کیفی، مقدار کمی داده‌ها مرکب و مفصل تحلیل می‌شوند و پایه واحد اطلاعاتی، ظهور و یا غیبت یک خصیصه است (فاضلی، ۱۳۷۶، ۹۹).

چگونگی تنظیم محتوای کتب درسی دانشگاهی عامل مهمی در تعیین چگونگی یادگیری است. گاهی عدم کارایی و نامناسب بودن محتوا و عدم تناسب آن با توانایی درک و فهم فرگیران، یادگیری را مشکل می‌کند یا نتیجه‌ای کمتر از انتظار به بار می‌آورد. معیارهایی در دستیابی به بهترین سازمان دهی محتوا باید رعایت شود که از جمله اساسی‌ترین آنها می

توان به این زمینه‌ها اشاره داشت: ۱. توالی، ۲. استمرار، ۳. تعادل، ۴. وسعت، ۵. وحدت. توالی و استمرار، ناظر بر شیوه‌های سازمان‌دهی عمودی محتوا، و وسعت مربوط به سازمان‌دهی افقی است (ملکی، ۱۳۷۶، ص ۱۸). بنابراین، در تهیه کتاب درسی مؤثر و اثربخش، فعالیت‌های آموزشی و تجارب یادگیری باید به گونه‌ای تنظیم شوند که یکدیگر را تقویت کنند و فعالیت‌های یادگیری با توانایی‌های دانشجویان منطبق باشند، تا بتوانند الگوی رفتاری مورد نظر را در یادگیرنده به وجود بیاورند. مثلاً آیا کتابهای درسی دانشگاهی زمینه‌های لازم را برای شکوفایی استعدادها در حوزه‌های شناختی، مهارتی، نگرشی فراهم می‌آورند؟ برای تحقق این زمینه‌ها می‌توان سؤالات زیر را مطرح کرد:

- ۱- آیا به تفکر نقادانه به عنوان فرایندی تاثیر گذار در طراحی متون توجه کافی شده است؟
- ۲- آیا به یادگیری فعال و مشارکتی در بخش‌های مختلف کتاب اهتمام لازم به عمل آمده است؟

یکی از رویکردهای شناختی مهم در یادگیری فرایندهای شناختی، رویکرد تفکر نقادانه است. در این رویکرد یادگیرندگان می‌فهمند، چگونه از طریق تفکر و سایر فعالیت‌های ذهنی، اطلاعات را اندوخته و پردازش کنند و در نتیجه به فهم دقیق و شفاف از موضوعات دست پیدا کنند (برک، ۱۳۸۳). ادوارد کلیزر توانایی اندیشیدن نقادانه را شامل سه چیز میدانند: اول) این نگرش که آماده باشیم مسائل و موضوعاتی که در دامنه تجربه ما قرار می‌گیرند به نحو موضوعاتی را که در دامنه تجربه ما قرار می‌گیرند به نحو جدی و عمیق بررسی کنیم؛ دوم) به روشهای استدلال و تحقیق منطقی شناخت داشته باشیم؛ سوم) در به کار بستن آن روشها مهارت داشته باشیم (Glaser, 1941: 38) تفکر نقادانه «اندیشیدن شخص درباره اندیشیدن خودش است؛ با این هدف که اندیشیدن خودش را ارتقاء بخشد» (Paul, 2009: 5). هرچند اصطلاح تفکر نقادانه در میانه قرن بیستم مطرح شده است اما در سال‌های اخیر مورد توجه جدی متخصصان برنامه ریزی و تعلیم و تربیت قرار گرفته است. روبرت انیس تفکر نقادانه را تفکر مستدل و تیز بینانه در باره این که چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم تعریف کرده است (Lipman, M. 1988: vol 46. No 1).

در سازماندهی محتوای کتاب دانشگاهی توجه به رویکردهایی که به دانشجو فرصت دهد تا بیندیشد تامل کند نقادانه به متون و محتوا نگاه کند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رویکرد تفکر نقادانه ریشه در نظریه شناختی یادگیری دارد؛ زیرا این نظریه بر ماهیت

شناختی ذهنی فرایند یادگیری تأکید می‌کنند و یادگیری را درک و بصیرت، و یادگیرنده را موجودی فعال و کنجکاو میدانند، طبق نظریه شناختی، یادگیری یک فرآیند درونی و دائمی است که در آن فرایندهایی مثل توجه، ادراک، حافظه، فهم، استدلال، مساله‌گشایی و تصمیم‌گیری نقش اساسی ایفا می‌کنند (دمبو ۱۹۹۴: ۱۴۱ و برک، ۱۳۸۳: ۱۳۰). نظریه پردازان شناختی به یادگیرندگان، همچون پردازش‌کنندگان فعال اطلاعات می‌نگرند؛ کسانی که تجربه می‌کنند و برای حل مسائل به جستجوی اطلاعات می‌پردازند، در ساختار ذهن خود آنچه را که برای حل مسائل جدید مفید تشخیص می‌دهند، به کار می‌گیرند و به جای این که به طور انفعالی تحت تاثیر محیط قرار گیرند فعالانه انتخاب، تمرین، توجه یا چشم‌پوشی می‌کنند (Woolfolk, 1990: 228-23).

در طراحی کتاب درسی دانشگاهی، هدف تنها آموزش برخی از مفاهیم یک حوزه تخصصی خاص نیست بلکه باید زمینه‌هایی برای اندیشیدن، تحلیل کردن، ارزیابی نمودن، استنتاج کردن فراهم کرد. مهارت‌های تفکر نقادانه، مؤلفه‌های روند این نوع تفکر از مرحله مواجه شدن با اطلاعات تارسیدن به داوری هدفمند است. این مهارت‌ها در سنجش منطقی و نقادانه موضوعات گوناگون همچون شواهد و مدارک، مفهوم‌سازی‌ها، روش‌ها، معیارها و زمینه‌ها به کار می‌رود (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۸۱). این مهارت‌ها نزد متخصصان حوزه تفکر نقادانه تفاوت دارد پیتر فسیونه در گزارش دلفی و نیز کتاب انتقادی بیندیش، شش مهارت تفکر نقادانه را همراه با خرده مهارت‌هایی برای هر یک از آنها بررسی می‌کند که به اختصار عبارت‌اند از: ۱- مهارت تعبیر و تفسیر ۲. مهارت تحلیل ۳. ارزشیابی (سنجش ادعاها، سنجش استدلال) ۴. استنتاج ۵. مهارت توضیح ۶. خودتنظیم‌گری (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۱). واتسون و گلایزر مهارت‌های تفکر نقادانه را «استنباط، شناسایی، پیش‌فرض‌ها، استنتاج، تعبیر و تفسیر و ارزشیابی استدلال‌ها» می‌دانند (الوسیمی، ۲۰۰۳: ۲۲۴-۲۲۳).

کتاب‌های درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط‌مشی آموزشی دارند، کانون توجه استادان و مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشند. اهمیت کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز مانند ایران که تقریباً تمام عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌شود بیش از سایر انواع نظام‌های آموزشی است، و به خاطر همین اهمیت بیش از اندازه است که صرف وقت نیروهای متخصص در ارزشیابی و تحلیل کتاب‌های درسی می‌تواند راه‌گشای حل بسیاری از مشکلات جاری آموزش

باشد. در حال حاضر کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع برای یادگیری به شمار می‌آیند. چراکه بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب این رسانه صورت می‌پذیرد.

کتاب درسی دانشگاهی باید دارای معیارها، اصول و ضوابط خاصی باشد که وجود آن‌ها در فرآیند طراحی کتاب-های درسی ضروریست. برای این که لازم است مطابق اهداف ذکر شده در سرفصل تدوین شده باشد. یکی از راه‌هایی که می‌تواند این اطمینان را در ما به وجود بیاورد که کتاب منطبق بر اهداف برنامه درسی می‌باشد و همچنین اصول و معیارهای درست آموزشی در آن به کار گرفته شده، استفاده از روش تحلیل محتوا است. در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، اغلب از دو تکنیک کلی، فرمول‌های خوانایی و ابزارهای فهرستی (چک لیست‌ها) استفاده می‌شود که هر تکنیک از تعدادی روش مختلف تشکیل شده است (جعفری هرندی، نصر، میرشاه جعفری، ۱۳۸۷). آگاهی‌هایی که استاد باید در ارتباط با کتاب‌های درسی دانشگاهی داشته باشد، در ضرورت مهارت تجزیه و تحلیل کتاب‌های درسی به اثبات می‌رسد. این آگاهی‌ها عبارتند از:

۱. محتوای علمی

۲. عناصر کتاب درسی، چون: اهداف، متن دروس، تمرین‌ها و فعالیت‌های یادگیری

۳. روش سازماندهی عناصر کتاب درسی، مانند: توالی، انسجام، توازن و ...

۴. چگونگی ارتباط عناصر با هم، مانند: ارتباط اهداف با متن و یا بالعکس

۵. روش و یا روش‌های تدریسی که محتوای کتاب براساس آن سازماندهی شده است.

۶. روش یا روش‌های ارزشیابی از آموخته‌های دانشجویان

۷. نتایج غیرقابل‌انتظاری که احتمالاً از تدریس کتاب به وجود خواهد آمد.

تحلیل محتوای کتاب درسی که نوعی ارزشیابی تلقی می‌شود دو بعد صوری و عقلانی دارد. در بخش صوری به جذاب بودن کتاب، داشتن طراحی مناسب، خط زیبا و فواصل منطقی، حاشیه‌های اطراف متن توجه می‌شود. و در بخش عقلانی تناسب محتوا با ساختار دانش رشته و تناسب محتوا با تجربیات قبلی حائز اهمیت است. جدول زیر یک نمونه برای خصوصیات صوری و عقلانی تحلیل محتواست.

خصوصیات ظاهری:
جذاب و جالب بودن کتاب برای شاگردان؟
آیا محتوای کتاب در ذهن شاگردان می‌ماند؟
آیا اندازه‌ی حاشیه‌های خالی اطراف متن، اندازه، حروف و شکل‌ها قابلیت استفاده از کتاب را افزایش می‌دهد؟
آیا شکل‌ها باعث افزایش علاقه به کتاب می‌شود؟
چه نوع مواد تکمیلی همراه کتاب است (راهنمای معلم، پوستر، آزمون‌ها و ...)?
چهارچوب مفهومی:
جهت‌گیری نظری کتاب چیست؟
آیا کتاب منعکس‌کننده‌ی آخرین تحقیقات در مورد یادگیری زبان هست؟
آیا هدف‌های آموزشی کتاب، به صورت واضح بیان شده است؟
این هدف‌ها تا چه میزان با دیدگاه‌های شما در مورد آموزش زبان همخوانی دارد؟
محتوا:
کدامیک از انواع فعالیت‌های شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن در کتاب گنجانده شده است؟
چه میزان بر دستور زبان تأکید شده است؟
آیا درس‌ها و فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های زبان، با کلاسی که کتاب در آن به کار می‌رود، متناسب است؟
آیا کتاب، شاگردان را به درگیر شدن بیشتر با محتوای آن فرامی‌خواند؟
آیا کتاب، شاگردان را به تفکر نقادانه و خلاق ترغیب می‌کند؟
سازماندهی:
کتاب چگونه سازماندهی شده است؟
آیا دروس باید به ترتیب آموزش داده شود و این ترتیب، سازماندهی مناسبی از مهارت‌های زبان ارایه می‌کند؟
قابلیت انطباق‌پذیری:
آیا کتاب اطلاعات لازم را برای تطبیق آن با نیازهای شخصی شاگردان ارایه کرده است؟
آیا کتاب را می‌توان برای شاگردان با استعداد ویژه به کار برد؟
آیا کتاب را می‌توان برای شاگردان ناتوان در یادگیری به کار برد؟
آیا کتاب را می‌توان برای شاگردانی که به زبان استاندارد تکلم نمی‌کنند به کار برد؟
سبک کتاب:
آیا شاگردان سبک نوشتاری کتاب را می‌پسندند؟
آیا در کتاب از تصورات قالبی و زبان کلیشه‌ای اجتناب شده است؟

جدول شماره (۱): یک نمونه از پرسش‌نامه تحلیل محتوای کتاب آموزش زبان

۳. بررسی و تحلیل کتاب

۳-۱. معرفی صاحب اثر و ارزیابی ظاهری اثر

معرفی نویسنده کتاب:

دکتر محمدرضا نجاریان عضو هیئت علمی دانشگاه یزد است و در گروه زبان و ادبیات فارسی به تدریس دروس مختلف از جمله، متون و قواعد زبان عربی در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا مشغول است. از جمله کتاب‌هایی که از وی منتشر شده است می‌توان به کتاب «شرح دشواری های مقامات حریری» اشاره کرد.

۳-۲. آشنایی با کتاب

کتاب «قواعد و متون عربی» در اندازه رقعی با ۴۲۰ صفحه از سوی انتشارات «دانشگاه یزد» با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. مؤلف در عنوان فرعی کتاب عبارت "بر اساس سرفصل مصوب وزارت علوم برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی" را درج کرده است و اثر خود را به امام زمان تقدیم کرده است و پیشگفتاری در شش صفحه در باره اهمیت زبان عربی و ضرورت فراگیری آن سخن گفته و به تفصیل سرفصل های شش گانه متون و قواعد عربی رشته زبان و ادبیات فارسی را که در سال ۱۳۹۴ از طرف کمیته برنامه ریزیرشته زبان و ادبیات فارسی وزارت علوم بازنگری شده، آورده است.

۳-۲-۱. ساختار ظاهری کتاب

رنگ‌بندی و تصویر روی جلد

در طراحی روی جلد از دو رنگ کرم روشن و کرم تیره متمایل به خردلی استفاده شده است و برای زیبایی بیشتر از خطوط سبز رنگ در طراحی بهره گرفته شده است. عنوان اصلی کتاب در سه سطر به رنگ بنفش با خط نسخ فارسی تقریباً درشت و عنوان فرعی نیز در دو سطر با فونت کوچک تر و رنگ بنفش خودنمایی می کند. اسم نویسنده کتاب نیز با دو سانتیمتر فاصله و با فونت ۱۴ زیر عنوان فرعی آمده است. آرم دانشگاه یزد هم در قسمت چپ بالای صفحه خودنمایی می کند.

۲-۲-۳. تحلیل رنگ-بندی و طرح روی جلد

انتخاب رنگ های متناسب با نوارهای نازک مورب سبز رنگ استفاده از اشکال هندسی متقارب و قرار گرفتن عنوان کتاب در داخل این اشکال هندسی و بهره گرفتن از نمادهای دو رنگ سبز و سفید در پیرامون این اشکال، طراحی جلد را زیبا کرده است. ترکیب رنگها و اشکال هندسی و هارمونی بین این خطوط، آرامش خاصی را القا می کند. انتخاب رنگ گرم روشن به عنوان رنگ غالب روی جلد، خواننده را به درنگ و تأمل وامی دارد.

۳-۲-۳. صفحه-آرایی

در یک نگاه کلی صفحه آرایی مورد قبول است. انتخاب نوع حروف، فاصله سطور، فونت های مورد استفاده در فصل ها و بخش ها، و عناوین تمرین ها و دیگر بخش های کتاب هدفمند بوده است و صفحه آرایی قابل قبولی را ارائه داده است. اما اگر با دقت و تأمل در صفحه آرایی نگاه کنیم اصلاحات زیر می تواند کتاب را زیباتر کند؛

۱- فونت پاورقی کوچک تر انتخاب می شد

۲- سطرهای کتاب یکنواخت و هماهنگ می بود، در برخی صفحات ۲۸ سطر یا ۲۷ سطر آمده مثل صفحات ۱۱۸ و ۲۰۵، در حالی که در کتاب صفحاتی را مشاهده می کنیم که در ۲۴ سطر صفحه آرایی شده است.

۳- فاصله سطور پایین صفحه یکسان می بود. در صفحه آرایی معمولاً تلاش بر آن است که فاصله ای در پایین و بالای صفحه و در سمت و راست و چپ صفحه باشد این توازن در کتاب رعایت نشده است.

۴- بخش «مختارات» از صفحه ۳۳۱ تا ۳۹۴ به صفحه آرایی مجدد نیاز دارد. گاهی ۲۲ صفحه پشت سرهم، متن و عبارت ها کنار هم آمده و هیچ خلاقیتی در صفحه آرایی دیده نمی شود و حقیقتاً خواننده را خسته می کند.

۴-۲-۳. فهرست مطالب

کتاب در چهار فصل به شکل زیر سازماندهی شده است:

فصل اول: به بخش صرف پرداخته و به بخش های زیر تقسیم شده است:

بخش اول: فعل

بخش دوم: اسم

بخش سوم: حرف

فصل دوم: به علم نحو پرداخته و شامل بخش‌های زیر می‌باشد و ۱۵۸ صفحه کتاب را به خود اختصاص داده است.

بخش اول: مرفوعات

بخش دوم: منصوبات

بخش سوم: مجرورات

بخش چهارم: توابع

بخش پنجم: جمله

فصل سوم: نتیجه‌گیری که سه صفحه و نیم به این بخش اختصاص داده است.

فصل چهارم و پایانی: تعلیقات که شامل موارد زیر می‌شود:

- تجزیه و ترکیب

- تمرینات کلی

- مختارات

بخش تعلیقات ۹۰ صفحه کتاب را پوشش داده است.

در پایان کتاب نیز فهرست منابع، نمایه واژگان و اصطلاحات و نمایه اعلام و واژه نامه لاتین آمده است.

۳-۲-۵. قواعد ویرایشی و نگارشی

- علامت تشدید **اِنَّ** و **اَنَّ**: در نگارش این دو حرف حتما باید ضمن قراردادن علامت همزه - متناسب با جمله علامت تشدید نیز بر روی حرف نون گذاشته شود. در صفحات مختلف کتاب، این قاعده نگارش عربی رعایت شده است.

- همزة قطع و همزه وصل: همزه قطع همزه ای است که برای رهایی از ابتدای به ساکن آورده می‌شود و در هر جای کلمه و کلام قرار گیرد، خوانده و نوشته می‌شود در نگارش زبان عربی، علامت همزة قطع حتما باید گذاشته شود، مانند «الأصحاب»، و... در این کتاب، این قاعده نگارشی به خوبی رعایت شده است.

- غلط‌های چاپی: غلط‌های چاپی در کتاب اندک است و این از نکات مثبت کتاب به حساب می‌آید.

- پاراگراف‌بندی مناسب

پاراگراف‌بندی متن باعث انسجام، سازمان‌دهی ذهنی مطالب درسی، آراستگی و نظم‌بخشی می‌گردد. این امر دانشجو را در درک بهتر یاری داده و مانع از خستگی و انزجار وی می‌شود. این نکته در کتاب به خوبی رعایت نشده است.

۳-۳. ساختار محتوایی کتاب

کتاب قواعد و متون عربی یک کتاب درسی دانشگاهی است. تلاش ما بر این نکته مهم قرار خواهد گرفت که در یک فضای علمی و با رویکرد انصاف به داوری بنشینیم و نقاط قوت و ضعف آن را برشمریم:

در آغاز از نویسندگانی که دست به قلم برده و جرأت علمی به خرج داده یک کتاب هدفمند مطابق با سرفصل‌های آموزش متون و قواعد زبان عربی در رشته زبان فارسی تالیف کرده است باید تحسین و تمجید کرد. ابتدا محاسن کتاب را ذکر می‌کنیم:

- محاسن کتاب

۱. تالیف کتاب بر اساس سرفصل جدید.

۲. توجه به تمرین‌های متنوع.

۳. آوردن متون متنوع نظم و نثر از دوره‌های مختلف.

۴. اهتمام به مبحث جمله (هر چند که صفحات اندکی به آن اختصاص یافته است).

۵. استفاده درست از منابع و ذکر نمایه‌های مختلف از قبیل نمایه اعلام نمایه واژگان و اصطلاحات.

۳-۴. کاستی‌های کتاب

بعد از برشمردن محاسن کتاب مواردی که به نظر می‌رسد از کاستی‌های یک کتاب دانشگاهی است و نبود آن به ارزش علمی کتاب لطمه زده است یادآوری می‌کنیم تا مؤلف محترم در چاپ‌های بعدی به برطرف کردن این کاستی‌ها همت گمارد.

- نامتناسب بودن فصل‌های کتاب

کتاب قواعد و متون عربی در چهار فصل تدوین شده است:

فصل اول که به بخش صرف اختصاص دارد در ۱۳۸ صفحه تدوین شده است.

فصل دوم که به بخش نحو پرداخته است در ۱۶۸ صفحه سازماندهی شده است.

فصل سوم که به نتیجه‌گیری نام‌گذاری شده است فصل عجیبی است و تنها سه صفحه و شش سطر است.

این فصل، کتاب را نامتناسب کرده است، ضرورتی بر آوردن این فصل دیده نمی‌شود نکات تلگرافی از مباحث صرفی و نحوی که در دو فصل گذشته آمده مطرح شده است. به هر حال فصل‌ها و بخش‌های هر کتاب چارچوب منطقی از جهت حجم و محتوا دارد که در فصل سوم کتاب دیده نمی‌شود.

- عدم توجه به سطح مخاطبان

نکته‌ای که در این کتاب به آن توجه نشده تالیف یک کتاب برای سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری است. مؤلف کتاب در عنوان فرعی جلد کتاب، مخاطبان کتاب خود را دانشجویان لیسانس و کارشناسی ارشد معین کرده و در پیش‌گفتار کتاب، مخاطبان کتاب را در سه مقطع معرفی می‌کند و دوره دکتری را نیز پوشش می‌دهد و این‌گونه می‌نویسد:

نگارنده با توجه به تجربه تدریس در زمینه صرف و نحو عربی و با عنایت به سرفصل‌های جدید دروس ادبیات عرب در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و علوم قرآنی بر آن شد تا مجموعه‌ای را تدوین کند که در برگزیده قواعد و متون عربی باشد.

با این فرض، این کتاب برای ۱۲ واحد متون و قواعد عربی در کارشناسی و ۲ واحد برای کارشناسی ارشد و ۲ واحد برای دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی نگاشته شده است. به نظر می‌رسد کتابی که در ۴۰۰ صفحه نمی‌تواند در برگزیده ۱۶ واحد درسی در سه مقطع مختلف باشد. چه این که هر واحد درسی در هر مقطعی اهداف دارد که با مقطع بالاتر یکسان نیست و محتوایی که برای دوره کارشناسی تهیه می‌شود قطعاً برای دوره ارشد و دکتری مناسب نخواهد بود.

- در هم آمیختن قواعد صرفی و نحوی

در تالیف کتاب‌های صرفی و نحوی به دو شکل می‌توان عمل کرد:

۱. پرداختن مباحث صرفی و نحوی به شکل تلفیقی

۲. سازماندهی مباحث صرفی و نحوی به شکل مستقل

نویسنده کتاب در ساختار کتاب خود مباحث صرفی را در فصل اول و مباحث نحوی را در فصل دوم آورده است یعنی در تالیف شکل دوم را برگزیده است. با این وصف در آمیختن مباحث صرفی و نحوی منطقی به نظر نمی‌رسد.

۳-۵. موضوع اثر و اهمیت آن

مهم‌ترین اصل و آنچه در ارزیابی یک کتاب درسی دانشگاهی بدان توجه می‌شود انتخاب موضوع و عنوان مناسب است. در این خصوص دقت کافی بعمل نیامده است. عنوان این درس در سرفصل جدید وزارت علوم «متون و قواعد عربی» است اما در کتاب عنوان "قواعد و متون عربی" است.

۳-۶. جدید و نبودن موضوع

هر چند که تجربه تالیف کتاب متون و قواعد عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی جدید است و در گذشته این دو حوزه با هم دیده نشده بود و کتابهای قواعد به طور مستقل تالیف می‌شد و متون عربی هم جایگاه خودش را داشت اما انتظار این بود در این تجربه جدید که به شکل تلفیقی سامان گرفته، نوآوری و خلاقیت مشاهده می‌شد. نوآوری در سازماندهی و چیش یا خلاقیت در عرضه مطالب سودمند.

۳-۷. مفید بودن موضوع

اگرچه مفید خواندن امری کاملاً نسبی به حساب می‌آید و افراد با توجه به وسعت دایرة اطلاعاتی خویش، موضوعی را مفید و یا غیر مفید می‌نامند؛ اما در نظر داشتن نیاز و سطح دانش مخاطبان کتاب و نحوه ارائه مطالب مساله ای مهم و اساسی است. کتاب "قواعد و متون عربی" به عنوان منبع درسی - اصلی - به ارزش ۱۲ واحد برای مقطع کارشناسی و ۲ واحد برای کارشناسی ارشد و ۲ واحد برای دکتری پیش بینی شده است. جمع کردن این مجموعه بزرگ مخاطبان بدون تردید مفید بودن اثر را تحت الشعاع قرار داده است .

۳-۸. منابع و مآخذ کتاب

منابع و مراجعی که نویسنده کتاب از آنها استفاده کرده است، با توجه به دو حوزه زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات فارسی متنوع است هرچند که برخی از منابع از نظر اعتبار علمی کتابهایی معتبری نیستند مثل آثار امیل بدیع یعقوب و رشید شرتونی، اما باید تلاش نویسنده را در بهره‌گیری از منابع و مآخذ به روز، ستود.

۳-۹. میزان انطباق عنوان اثر با محتوا

با استناد بر این که طبق آخرین سرفصل مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای درس متون وقواعد عربی در مقطع کارشناسی ۱۲ واحد در شش درس گنجانده شده است؛ لازم است مؤلف کتاب با تغییرات اساسی که در ساختار و محتوای آن انجام خواهد بتوان کتاب را به عنوان منبع اصلی برای دانشجویان مقطع کارشناسی پیشنهاد داد.

۳-۱۰. ارزیابی نهایی اثر

پیشنهادهایی که نگارنده درخصوص اعمال تغییراتی در سازماندهی کتاب دارد به قرار زیر است:

۱. طراحی کتاب متون و قواعد عربی بر اساس سطح مخاطبان

در برنامه جدید دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی در بخش دروس عربی دو اتفاق افتاده است: ۱- تلفیق قواعد عربی در متون ۲- کاهش دروس عربی از ۲۴ واحد به ۱۲ واحد که قابل دفاع نیست و در آینده به توانایی و مهارت فارغ التحصیلان این رشته لطمه زیادی خواهد زد. در این شرایط بهتر است برای آموزش متون و قواعد عربی که در شش درس ارائه می شود شش کتاب یا حداقل سه کتاب تالیف کرد.

۲- توجه به انتخاب متون متنوع برای جذاب تر کردن

یکی از نکات قابل توجه برای جذب مخاطبان زبان عربی بهره‌گیری از متون عربی زیبا است در انتخاب این متون نظم و نثر لازم است دقت کافی بعمل آید تا سلیقه‌ها و ذائقه‌های مختلف را پوشش دهد.

۳- اصل قرار دادن متون به جای قواعد

در آموزش عربی در رشته‌های مختلف بدون در نظر گرفتن نیازها مجموعه‌ای از قواعد عربی را آموزش داده ایم در حالی که خیلی از این مباحث برای رشته زبان فارسی یا تاریخ اسلام یا حقوق یا... ضرورتی ندارد و باعث بی رغبتی دانشجویان شده است. بهتر است برای این گروه از دانشجویان با اصل قرار دادن متون نه قواعد به علاقه و نیاز آنها توجه کنیم.

۴- اختصاص دادن بخشی از صفحات پایانی هر فصل و یا هر بخش از فصل، به تمرین‌های کاربردی و پرسش‌هایی که در اثنای آموزش به آنها توجه کردیم. به عنوان مثال در تمرین صفحه ۱۶ و ۲۱ آمده است؛ "در سوره عبس و سوره اعلی بعد از ترجمه، افعال را

تحلیل کنید. " منظور از تحلیل چیست؟ یا در صفحه ۱۷ در تمرین ۲ آمده است؛ " در خطبه حضرت زینب مفهوم فعل ها را بیان کنید؟ مقصود از مفهوم فعل ها چیست؟

۵- بهره‌گیری از شیوه‌های مناسب یاددهی - یادگیری؛ مانند ارائه مطالب آموزشی به کمک نمودارهای درختی که به درک ساختار کتاب و نیز توالی و رابطه میان مطالب کمک می‌کند. پر واضح است که استفاده از نمودار و تصاویر در فرآیند یاددهی و یادگیری بسیار مؤثر واقع می‌شود، به‌عنوان نمونه می‌توان در صفحه مختلف کتاب قواعد مختلف صرفی و نحوی را پس از توضیحات کافی، در قالب یک نمودار درختی به‌صورت خلاصه-وار ارائه دهد. این روند دانشجوی را در به یاد سپردن مطالب نسبتاً طولانی، بسیار یاری خواهد داد.

۶- توجه اساسی به مهارت‌های تفکر نقادانه در طراحی متن ها و نوع پرسش ها و تمرینات کتاب

۷- صفحه آرای مطلوب و استفاده از فونت های مختلف

طراحی خوب و صفحه آرای مناسب و استفاده از فونت های مختلف در ارائه مفاهیم بسیار مؤثر است. در این کتاب به این نکته مهم کمتر توجه شده است.

۴. نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای کتاب درسی کاربردهای متنوعی دارد که شاید مهمترین کارکرد آن تعیین میزان تناسب محتوا با هدف های برنامه درسی است. تحلیل محتوا روشی برای تحلیل داده‌ها است و در رشته های مختلف کارایی دارد. در تحلیل محتوا از روش های مختلفی استفاده می‌شود. در یک دسته بندی می‌توان روش های تحلیل محتوا را به دو گروه ۱- روش های کمی ۲- روش های کیفی تقسیم کرد. در روش های کمی، معمولاً مقدار زیادی داده ها به گونه مختصر تحلیل می‌شوند. اساس تحلیل محتوای کمی بر کمی کردن کیفیت ها و متن های مورد بررسی استوار است و به همین خاطر، کمی بودن، بارزترین ویژگی تحلیل محتوا به حساب می‌آید.

کتاب «متون و قواعد زبان عربی» دکتر محمدرضا نجاریان که برای تدریس دروس عربی رشته زبان و ادبیات فارسی در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا تالیف شده است برخی از ویژگی های یک کتاب دانشگاهی را ندارد و در بخش مهارت های تفکر نقادانه کمتر توفیق پیدا کرده است بدین سبب قادر نخواهد بود انگیزه های یادگیری را در این گروه از دانشجویان نسبت به فراگیری زبان عربی فراهم کند.

کتاب‌نامه

- اسماعیلی، سجاد، متقی زاده، عیسی (۱۳۹۶) «بررسی های تأثیر مهار تفکر نقادانه بر مهارت درک مطلب متون ادبی دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در ایران». *مجله جستارهای زبانی*، شماره ۳۷ خرداد و تیر ۱۳۹۶.
- امیر تیموری، م. ح. (۱۳۹۰). *طراحی پیام‌های آموزشی*. تهران: سمت.
- ایمان، م. ت. نوشادی، م. ر. (۱۳۹۰) «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- برک، لورا (۱۳۸۳). *روان شناسی رشد*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- جعفری هرندی، ر. نصر، ا. ر. میر شاه جعفری، ا. (۱۳۸۷). «تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تاکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی». *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، روش شناسی علوم انسانی. سال ۱۴، شماره ۵۵، ۵۸-۳۳.
- حسن مرادی، ن. (۱۳۸۸). *تحلیل محتوای کتاب درسی*. تهران: آبیژ.
- راجردی، دومینیک، ج. آ. (۱۳۸۴) *تحقیق در رسانه های جمعی*. ترجمه کاووس سید امامی، تهران: سروش رسولی، م. امیر آتسانی، ز. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- فاضلی، ن. ا. (۱۳۷۶)، «آموزش، تحقیق و ترویج (تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی)»، *نمایه پژوهش*، سال اول، تابستان.
- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۴) *اصول برنامه ریزی درسی*. تهران: انتشارات ایران زمین.
- فتحی واجارگاه، کورش. آقازاده، م. (۱۳۸۶). *راهنمای تألیف کتاب‌های درسی*. تهران: آبیژ.
- کرپیندروف، ک. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوا (مبانی روش شناسی)*. (ه. نایب، مترجم). تهران: نی.
- لاریجانی، حسن (۱۳۸۷) «تجزیه و تحلیل محتوای گسترش روش های تحقیق در علوم کتابداری و اطلاع رسانی یا روش تجزیه و تحلیل محتوی»، *فصلنامه دانش شناسی*، سال اول شماره ۱، تابستان.
- متقی زاده، عیسی. اسماعیلی، سجاد. محمدی، دانش (۱۳۹۲). «تحلیل محتوی کتب اللغة العربية فی مرحلة البكالوريوس لفرع اللغة العربية و آدابها فی ضوء معايير الجودة، مبادئ العربية للرشید الشرتونی و الجديد فی الصرف و النحو للديباجی نموذجین»، *مجلة بحوث فی اللغة العربية و آدابها*، جامعة اصفهان، عدد ۸، ص ۱۲۳-۱۴۹.
- مشایخ، ف. (۱۳۷۵). *فرآیند برنامه ریزی آموزشی*. تهران: مدرسه.
- معاونت پژوهش (۱۳۸۲). *در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی*. تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ملکی، حسن، (۱۳۷۹)، *مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه*، تهران: سمت.
- ملکی، حسن، (۱۳۸۶)، *مقدمات برنامه ریزی درسی*، تهران: سمت.
- ملکی، حسن، (۱۳۷۶)، *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*، تهران: مدرسه.

منادی (۱۳۸۵) «روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، پاییز.

مهرمحمدی، محمود و همکاران، (۱۳۸۱)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: آستان قدس رضوی.

نجاریان، محمدرضا (۱۳۹۵). قواعد و متون عربی، ج ۱، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

نیکلس، ا. نیکلس، ا. ه. (۱۳۷۷). راهنمایی عملی برنامه ریزی درسی. (د. دهقان، مترجم). تهران: قدیانی.

یارمحمدیان، م. ح. (۱۳۸۶). اصول برنامه ریزی درسی. تهران: یادواره کتاب.

Glaser, E. (1941). *An Experiment in the Development of Critical Thinking*. Teacher's College, Columbia University.

Lipman, M. (1988) *Critical Thinking*, what can it Be? Educational leader ship. Vol. 46, No.1.

Maleki, H. & habibipour, M. (2007) "The basic goal of fostering critical thinking education". *Journal of Educational Innovations*, No. 19, pp. 93-108. (Persian)

Paul, R. (2009). *The Miniature Guide to Critical Thinking Concepts and Tools. The Foundation for Critical Thinking*.

Paul, R.; A. Fisher & G. Nosich (1993). *Workshop on critical thinking strategies*. Foundation for Critical Thinking Strategies Sonoma State University. Woolfolk,

Anita E. (1990). *Educational Psychology*, 4th ed. New Jersey Englewood Cliffs. Pp. 228-230.